

نقد و بررسی دیدگاه ویم ریون درباره «مصدق‌های شهادت» در مدخل دائرةالمعارف قرآن لیدن

زهرة اخوان مقدم^۱

نعیمه تقوی فردود^۲

چکیده

جهاد و شهادت در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد؛ تا آنجا که به جهت گستردگی روایات و آیات در این موضوع، توجه بسیاری از علما، پژوهشگران و همچنین برخی خاورشناسان به آن جلب شده است؛ ویم ریون، خاورشناس معاصر مدخلی در این زمینه با عنوان «شهید» در دائرةالمعارف لیدن نگاشته است؛ وی پس از بیان آیات با موضوع شهادت، به بررسی موردی روایات مرتبط می‌پردازد. به سبب شبیهاتی که ریون در مدخل «شهید» پیرامون مصداق‌های شهادت مطرح کرده، نقد و بررسی آن ضروری است؛ از این رو نوشتار حاضر، به بررسی چگونگی طرح این مسئله در مدخل «شهید» پرداخته است؛ از اشتباه‌های فاحش این مدخل می‌توان به نادیده گرفتن جایگاه شهید، محدودیت و ضعف منابع، ارائه استدلال‌ها و استنتاج‌های نادرست، نبود جامع‌نگری در بررسی یک موضوع و مطلق‌انگاری مصداق‌های شهادت اشاره نمود. واژگان کلیدی: جهاد، شبهات حدیثی، مستشرقان، دائرةالمعارف لیدن، علوم و معارف قرآن و حدیث

۱. استادیار دانشگاه علوم و معارف، دانشکده علوم و فنون تهران؛ (dr.zo.akhavan@gmail.com).

۲. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم «نویسنده مسئول»؛ (naeimh_taghavi@yahoo.com).

مقدمه

دیرزمانی است که خاورشناسان به مطالعه شاخه‌های مختلف علوم اسلامی پرداخته‌اند؛ این مطالعه با رویکردهای گوناگون و در قالب‌های متفاوت، همچون نگارش کتاب‌ها، مقاله‌ها، سفرنامه‌ها، همایش‌ها و ... صورت گرفته است؛ جهاد و شهادت نیز در شمار مطالعات خاورشناسان بوده که به ارائه نظراتی در این زمینه انجامیده است؛ البته فرهنگ شهادت‌طلبی، به‌ویژه در میان مسلمانان ایران، لبنان و فلسطین سبب ایجاد انگیزه در خاورشناسان برای پژوهش پیرامون شهادت و اهداف آن شده است؛ به سبب اهمیت و جایگاه ویژه شهادت در دین اسلام، یکی از مقالات دائرةالمعارف قرآن لیدن به همین موضوع اختصاص یافته است.

دائرةالمعارف قرآن لیدن در پنج جلد مشتمل بر قریب هفتصد مدخل به زبان انگلیسی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ میلادی نگاشته شده و انتشارات بریل در هلند این کتاب را چاپ و منتشر کرده است؛ سرویراستار این مجموعه «جین دمن مک اولیف»، استاد دانشگاه «جرج تاون» آمریکا است؛ مدخل‌ها با نظم الفبایی متداول آورده شده‌اند؛ این مدخل‌ها دو گونه هستند؛ بیشتر مقاله‌ها در بردارنده مطالب گوناگون پیرامون اشخاص، مفاهیم، اماکن، ارزش‌ها، اعمال و وقایع درون متنی قرآن و مطالب مرتبط با متن قرآن است؛ برای مثال، مدخل «ابراهیم» شخصیتی را در متن قرآن مورد بحث قرار می‌دهد، ولی مدخل «ادبیات آفریقایی و قرآن» به بحث درباره یک ارتباط ادبی می‌پردازد؛ دسته دیگر از مقالات، برخوردهای علمی با موضوعات مهم در زمینه پژوهش‌های قرآنی است.^۱

دکتر «ویم ریون»^۲ نگارنده مدخل «شهید» در دائرةالمعارف قرآن است؛ وی در دانشگاه فرانکفورت و ماربورگ آلمان، زبان و ادبیات عربی تدریس می‌کند؛ یکی از کتاب‌هایی که ایشان به زبان آلمانی ترجمه کرده، «سیره ابن اسحاق» است؛ همچنین در رابطه با سیره پیامبر ﷺ مدخلی در جلد پنجم دائرةالمعارف قرآن نوشته است؛ دائرةالمعارف قرآن لیدن، در جهان علم، بسیار شهرت یافته و دریچه‌ای به سوی شناخت اسلام و قرآن قلمداد می‌شود؛ افراد تازه‌مسلمان و مسلمانان مناطقی که دسترسی به منابع اصیل سنی و شیعه ندارند، به این منبع مراجعه می‌کنند؛ از این رو نقد و بررسی محتوای این اثر علمی ضروری می‌نماید؛ از سوی دیگر مدخل‌های این دائرةالمعارف بسیار متعدد و متنوع بوده و شامل مباحث اعتقادی، فقهی، اخلاقی، علمی و ... با مستندات قرآنی و روایی است؛

۱. بررسی دائرةالمعارف لیدن، سایت مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، شماره اول، زمستان ۱۳۸۵ ش، ص ۵۱.
2. Wim Raven.

نویسنده مقاله حاضر ابتدا اصل نوشته انگلیسی کتاب را به صورت دقیق مطالعه نموده، سپس برای نخستین بار به بررسی و نقد دیدگاه ویم ریون درباره «مصادق‌های شهادت» در دائرةالمعارف لیدن پرداخته است؛ ریون در مدخل شهید مباحثی را چون تعریف شهادت، شهادت در اسلام و مسیحیت، آیاتی پیرامون شهادت، روایاتی پیرامون شهادت و نیز شهادت در عصر متأخر ارائه نموده است؛ از آنجایی که مطابق روایات بسیار، شهادت افزون بر کشته شدن در میدان جنگ، مصادق‌های دیگری دارد، در بخشی از مدخل شهید، شاهد طرح روایات در این زمینه هستیم؛ نوشتار پیش رو ابتدا به چگونگی طرح این مصادق‌ها در مدخل شهید و سپس به نقد آن می‌پردازد.

۱. مصادق‌های شهادت از دیدگاه ریون

ریون در مقاله خود، بحث شهادت را در چهار قسمت کلی تعریف نموده است: واژه‌شناسی «شهید»، شهادت در آیات، شهادت در روایات و شهادت در عصر مدرن. ریون، ابتدا تعریفی کوتاه از «شهید» ارائه و سپس تفاوت آن بین مذاهب شیعه و سنی و همچنین مسیحیت را بیان می‌کند؛ پس از آن واژه انگلیسی «martyr» را ریشه‌شناسی کرده و واژه‌پژوهی مختصری ارائه می‌دهد؛ سپس ریون آیاتی از قرآن کریم درباره «شهادت» را همچون زنده بودن شهدا و جایگاه بهشتی آنان می‌آورد و نظرات اندکی در چند جمله ارائه می‌دهد؛ بحث روایی، مفصل‌ترین بخش این مدخل است؛ در این بحث ریون ابتدا اشاره به گستردگی روایات مرتبط نموده و چند مورد از آنها را به صورت گزینشی در مقاله خود گنجانده است؛ در نهایت، مقاله با بحث شهادت در عصر مدرن که به دو قسمت شهادت در «ایران» و «لبنان» و فلسطین تقسیم شده، پایان می‌پذیرد.

«ویم ریون» پس از بحث پیرامون «شهادت در روایات» مبحثی جدا با عنوان «احادیث دیگر [پیرامون شهادت]» نوشته و در آن امور دیگری را، که از نگاه روایات «شهادت» محسوب می‌شوند نام برده است؛ وی می‌نویسد:

در برخی از احادیث توضیح داده می‌شود که چگونه باید شهیدان را به خاک سپرد یا بدهی‌های احتمالی آنان را چه باید کرد اما اینجا محل مناسبی برای بحث درباره این جزئیات نیست که ارتباطی هم با قرآن ندارند.

در اسلام اهل سنت، شهادت با جهاد پیوند خورده است؛ از آنجا که پس از گسترش قلمرو اسلام در سده نخست هجری به تدریج نبرد در برابر کافران کاهش یافت، فرصت اندکی برای حضور در جنگ و در نتیجه، کشته شدن در مبارزات بود؛

به همین دلیل و نیز برای فراهم کردن امکان بهره‌مندی از سعادت شهادت، اصطلاح شهید، تفسیری گسترده‌تر یافت و معنای آن شامل هرگونه قربانی کردن در راه خدا یا هر عمل دشوار به هر نوعی شد. مطابق احادیث نبوی، می‌توان کسی را که در غربت، بر اثر بیماری مسری، به هنگام زایمان، به سبب ابتلا به ذات‌الریه یا غرق شدن بمیرد، یا هنگام دفاع از خانواده و مالش کشته شود، شهید تلقی کرد. در حدیث مهم دیگری هم آمده است: قلم عالمان ارزش بیشتری از خون شهید دارد.^۱

ریون در نگارش مقاله شهید، مجموعاً به ۳۵ منبع استناد جسته و یا ارجاع داده است؛ از جمله مدخل شهید در دائرةالمعارف اسلام نگاشته «اتان کلبگ»^۲، مدخل شهید در کتاب «ونسینگ»^۳ و کتاب مطالعات محمدی «گلدزیهر»^۴.

ریون پس از ذکر مصداق اصلی شهید- شهید معرکه- مصداق‌های دیگری نیز برشمرده که به این ترتیب‌اند:

- ۱- کسی که در غربت بمیرد؛
 - ۲- کسی که بر اثر بیماری مسری بمیرد؛
 - ۳- کسی که به هنگام زایمان بمیرد؛
 - ۴- کسی که به سبب ابتلا به ذات‌الریه یا غرق شدن بمیرد؛
 - ۵- کسی که به هنگام دفاع از خانواده و مالش کشته شود.
- پس از بازخوانی دیدگاه ریون درباره مصداق‌های شهادت نوبت به نقد دیدگاه وی می‌رسد.

۲. نقد دیدگاه ریون درباره «مصداق‌های شهادت»

دیدگاه ریون درباره مصداق‌های شهادت کاستی‌هایی دارد:

۱-۲. عدم تفکیک بین مصداق‌های شهادت

ویم ریون اشاره‌ای به خاص بودن کفن و دفن شهدا داشته و آن را به خاطر بی‌ارتباط بودن به مباحث قرآنی رها کرده است؛ وی می‌نویسد:

واژه «شهید» (ج. شهداء) اصطلاحی پربسامد در منابع اسلامی است که از طریق ادبیات حدیثی رواج یافته است. واژه «شهید» بارها در قرآن به کار رفته، اما در

۱. Encyclopedia of Quran, v3, p285.

۲. E. Kohlberg, Shahīd, in EI 2, ix, 203-7.

۳. Wensinck, Handbook, s.v. 'Martyr(S)146-148.

۴. Goldziher, MS, ii, 390.

نگاه نخست تنها به معنای «شاهد» (نک. شهادت؛ شاهد بودن و شهادت دادن) یا «شونده اقرار» است.^۱

بیان این نکته ضروری به نظر می‌رسد که ربیون تفکیک دقیقی بین مصداق‌های حکمی و حقیقی شهادت ایجاد نکرده و این مسئله ابهام‌هایی در ذهن خواننده ایجاد می‌کند؛ احکام فقهی همچون غسل و کفن نداشتن شهید و دفن با لباس‌های خون‌آلود وی تنها در مورد شهادتی صدق می‌کند که در میدان جنگ به شهادت رسیده‌اند؛ عالمان مسلمان شهدا را دو نوع دانسته‌اند:

۱. «شهید حقیقی»، مسلمان عاقل و بالغی است که در راه اعتلای کلمة الله و توحید، دفاع از امت اسلامی، نظام الهی و دین خدا، به دست دشمنان کشته شده باشد.

۲. «شهید حکمی»، مؤمنی است که بر اثر برخی از بیماری‌های مخصوص جان داده باشد و یا زنی که در حال زایمان از دنیا رفته باشد؛ شهید حکمی نیازمند غسل و کفن است؛ ولی شهید حقیقی نیازی به غسل و کفن ندارد.^۲

۲-۲. جعلی انگاشتن مصداق‌های حکمی شهادت

ربیون درباره پیدایش روایات مصداق‌های شهادت می‌نویسد:

از آنجا که پس از گسترش قلمرو اسلام در سده نخست هجری به تدریج نبرد در برابر کافران کاهش یافت، فرصت اندکی برای حضور در جنگ و در نتیجه، کشته شدن در مبارزات بود؛ به همین دلیل و نیز برای فراهم کردن امکان بهره‌مندی از سعادت شهادت، اصطلاح شهید، تفسیری گسترده‌تر یافت و معنای آن شامل هرگونه قربانی کردن در راه خدا یا هر عمل دشوار به هر نوعی گردید.^۳

از مطلب فوق این‌گونه برداشت می‌شود که گویا از نظر او روایاتی که بر دیگر مصداق‌های حکمی شهادت دلالت دارند، اصالت ندارند و با انگیزه‌ای که او توضیح داده است، بعدها به فرهنگ اسلامی اضافه شده است؛ در حالی که در ادامه می‌گوید در احادیث نبوی چنین و چنان آمده است؛ می‌توان نتیجه گرفت که او چنین روایاتی را جعلی و بی‌اصالت می‌داند یا حداقل بیان او به مخاطب چنین القاء می‌کند که این روایات جعلی است و بعد از قرن اول وضع شده و به پیامبر نسبت داده شده است.

۳-۲. محدودیت و ضعف منابع

ربیون پیش از شمارش مصداق‌های شهادت می‌نویسد: «در اسلام سنی، شهادت با جهاد پیوند

۱. Encyclopedia of Quran, v3, p.282.

۲. ر.ک: تفسیرموضوعی قرآن (معاد در قرآن)، ج ۴، ص ۵۰ از آنجا که صحبت بر سر آثار فقهی است، بهتر است در صورت امکان میان آثار تفکیک شده شهید حقیقی و شهید حکمی به آثار فقها استناد داد.

۳. Encycl opedia of Quran, v۳, p۲۸۵

خورده است». ریبون اسلام را به دو دسته اسلام سنی و اسلام شیعه تقسیم نموده اما در تمامی موارد، منابعی که مورد استفاده این خاورشناس قرار گرفته، اغلب از منابع اهل سنت بوده و باقی، منابع دست سوم و نگاشته‌های دیگر خاورشناسان است؛ وی هیچ ارجاعی به کتب روایی و تفسیری شیعه در تمامی مقاله‌اش نداشته است؛ بنابراین چرا وقتی بارها دم از اسلام شیعه می‌زند هیچ ارجاعی به منابع اصیل شیعی نداده است؟! مصداق‌های شهادت نه تنها در کتب اهل سنت بلکه در کتب روایی شیعه نیز بسیار یافت می‌شود؛ در شمارش مصداق‌ها نیز کتاب‌های خاورشناسانی همچون گلدزیهر و کلبرگ منابع وی را تشکیل داده است؛ اعتماد بیش از اندازه ریبون به خاورشناسان پیش‌گفته و نادیده گرفتن منابع شیعی سبب سطحی جلوه کردن تحقیق ریبون در زمینه مصداق‌های شهادت شده است.

۴-۲. استدلال نادرست از علت هم‌رتبگی مصداق‌های شهادت با شهادت در میدان جنگ

همچنین ریبون علت گسترده شدن مفهوم شهادت را کاهش جنگ‌های اسلامی و شهادت در میدان جنگ دانسته است؛ سیر استدلال ریبون به این صورت است: «پس از توسعه اسلام، جنگ کمتری صورت گرفت - فرصت شرکت در جنگ وجود نداشت - کلمه شهید معنی گسترده‌تری در برگرفت و هرايثار و جهاد در راه خدا را - که منجر به مرگ می‌شود - شامل شد». در این نوع استدلال، مواد درست ذکر شده است؛ زیرا جنگ کمتر شهادت کمتری در پی دارد؛ بنابراین انواع جهاد، مصداق شهادت به حساب می‌آید؛ اما این استدلال غلط است؛ زیرا با توجه به روایات نقل شده، واژه جهاد از دهه‌های اولیه اسلام متوجه هر نوع ايثار به نیت قرب الهی بوده است؛ نمونه این کاربرد در احادیث، بسیار دیده می‌شود. شهادت از همان ابتدا و در زمان خود رسول الله ﷺ مصداق‌های دیگری بجز شهادت در هنگام جهاد جسمانی یا جهاد اصغر داشته است که در موارد بیشماری حضرت در زمان خودش به آن‌ها اشاره فرموده‌اند؛ برای نمونه پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «هر کس در راه دفع ستم از خود کشته شود شهید است»^۲ و در جایی دیگر فرموده‌اند: «هر کسی بر محبت آل محمد بمیرد شهید مرده است»^۳؛ بنابراین نتیجه استدلال در واقع معلول علت‌های ذکر شده نیست؛ یعنی جمله استنتاجی، جمله صحیحی است، اما ارتباطی با مواد ندارد؛ به عبارت دیگر استنتاج او از نوع مغالطه «دلیل نامربوط»^۴ است.

۱. رک: همان.

۲. کنز العمال، ش ۱۱۲۰۵.

۳. جامع الاخبار، ص ۱۶۶.

۴. استنتاجی که در آن نتیجه‌ی منطقی مقدمات نسبت به نتیجه گرفته شده، اعم، اخص و یا مباین باشد؛

رک: منطق کاربردی، ص ۲۲.

۲-۵. نبود جامع‌نگری در مصداق‌ها

مصداق‌هایی که ریون در مدخل خود ذکر نموده، جامع نیستند؛ زیرا مصداق‌های دیگری نیز در روایات به چشم می‌خورد؛ توضیح آنکه افزون بر مواردی که ریون به عنوان مصداق شهادت نام برده، موارد دیگری نیز از روایات قابل استنباط و استخراج است؛ در نتیجه می‌توان گفت ریون، مراجعه دقیق و کاملی به منابع فریقین، در بیان مصداق‌های شهادت، نداشته و شمارش وی جامع نیست؛ مگر آنکه بگوئیم ریون این مطلب را از کلب‌برگ وام گرفته است و در صدد شمارش همه مصداق‌ها نبوده است؛ با این حال ریون می‌توانست در مقاله از تعبیری کمک بگیرد تا از عبارت انحصار در مصداق‌ها برداشت نشود.

مواردی که در روایات فریقین به عنوان مصداق‌های شهادت شمرده شده، فراوان است برخی از این موارد چنین است: کسی که خدا و پیامبرش و اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام را بشناسد و حقوق آنان را بداند؛^۱ کسی که با محبت آل محمد علیهم‌السلام از دنیا برود؛^۲ کسی که شهادت را خالصانه و صادقانه از خداوند طلب کند؛^۳ کسی که در راه تحصیل علم بمیرد؛^۴ کسی که در راه خدا جهاد کند (چه کشته شود چه کشته نشود)؛^۵ کسی که در راه خدا مجروح یا زخمی شود؛^۶ کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند؛^۷ کسانی که از مرزها حراست می‌کنند؛^۸ کسی که پاکدامنی و عفت خود را حفظ کند در حالی که توان انجام گناه را دارد.^۹

۲-۶. مطلق‌انگاری مصداق‌های شهادت

برخی از مواردی که ریون در مدخل «شهید» آورده به طور مطلق مصداق شهادت به حساب نمی‌آیند و یاد کرد قیود و شرایط آن بایسته می‌نمود. برای نمونه یکی از روایاتی که جای بحث دارند، روایات مربوط به مرگ با بیماری‌های مسری است؛ یکی از مهم‌ترین بیماری‌هایی که مرگ با آن شهادت به حساب آمده، بیماری «طاعون» است.^{۱۰}

۱. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

۲. ر.ک: جامع الاخبار، ص ۱۶۶.

۳. ر.ک: صحیح مسلم، خبر ۱۹۰۸؛ عوالي اللئالی العزیزية في الأحادیث الدینیة، ج ۱، ص ۱۰۱.

۴. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۶؛ سفینه البحار، ج ۱، ماده «شهد» ص ۷۲۰.

۵. ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۲.

۶. ر.ک: کنز العمال، خبر ۲۰۵۱۰.

۷. ر.ک: همان، خبر ۲۰۷۹.

۸. ر.ک: همان، خبر ۲۱۰۰ و ۱۶۴۵ و ۱۶۵۱.

۹. ر.ک: همان، ج ۴، خبر ۲۱۱۰؛ نهج البلاغه، حکمت ۴۶۶.

۱۰. ر.ک: إرشاد القلوب إلى الصواب، ج ۲، ص ۴۱۴؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۱۶۳؛ مسند

احمد، ج ۱۹، ص ۴۹۷؛ صحیح بخاری، ج ۵، ص ۶۰.

چنان‌که پیش از این در ذکر روایات «مصدق‌های شهادت» گذشت: «اگر مؤمن در صورت شناختن پیامبر و آل پیامبر علیهم‌السلام، در صورت ایمان، در راه طلب علم و ... جان بدهد شهید از دنیا رفته است». می‌توان گفت مؤمنی که در ایمانش خالص باشد، در صورت ابتلا به بیماری و به تبع آن مرگ، اجر شهید خواهد داشت. با دقت در روایات دیگر، این مفهوم تقویت می‌شود. در روایتی آمده است:

حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ، أَخْبَرَنَا حَبَّانُ، حَدَّثَنَا دَاوُدُ بْنُ أَبِي الْفُرَاتِ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بُرَيْدَةَ، عَنْ يَحْيَى بْنِ يَعْمَرَ، عَنْ عَائِشَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ عليها السلام، أَنَّهَا أَخْبَرَتْنا: أَنَّهَا سَأَلَتْ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَنِ الطَّاعُونَ: فَأَخْبَرَهَا نَبِيُّ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، أَنَّهُ كَانَ عَذَابًا يَبْعَثُهُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ فَجَعَلَهُ اللَّهُ رَحْمَةً لِلْمُؤْمِنِينَ، فَلَيْسَ مِنْ عَبْدٍ يَفْعُ الطَّاعُونَ فَيَمْكُتُ فِي بَلَدِهِ صَابِرًا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَنْ يَصِيبَهُ إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ إِلَّا كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الشَّهِيدِ. تَابَعَهُ النَّضْرُ عَنْ دَاوُدَ؛ عَائِشَةَ مِنْ حَضْرَتِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله نقل می‌کند که چون از حضرت درباره طاعون پرسید، ایشان عليها السلام چنین فرمود: آن عذابی است که خداوند، بر هر که بخواهد می‌فرستد و خداوند متعال، آن را رحمتی برای مؤمنان قرار داده است؛ هر بنده‌ای که در طاعون بیفتد پس در سرزمینش مانده و صبر کند در حالی که بداند که هیچ چیز جز آن که خداوند برایش مقرر کرده است، نمی‌شود، حتما، پاداشی مانند پاداش شهید به او داده می‌شود.^۱

بنابراین مؤمنی که در مصیبت گرفتار آید و بر مشیت الهی صبر کند به پاداشی برابر با پاداش شهید خواهد رسید؛ البته چنان‌که در روایت نیز ذکر شده، شخص به جایگاه ویژه شهادت نمی‌رسید بلکه پاداشی که به او عطا می‌شود با پاداش شهید برابری می‌کند. در باب اجر مؤمن در مصائب و بلاها، روایات بسیار و آیاتی موجود است؛ خداوند در سوره بقره، پس از ذکر زنده بودن شهدا اشاره به مدح مؤمنان صبور در مقابل مصیبت‌ها نموده و فرموده است:

﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أحيَاءٌ وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ * وَ لَنْبَلُوَكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ التَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ = الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ وَ به آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگویید، بلکه [در عالم برزخ] دارای حیات‌اند، ولی شما [کیفیت آن حیات را] درک نمی‌کنید. و بی‌تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و کسان و محصولات

[نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می‌کنیم. و صبرکنندگان را بشارت ده. همان کسانی که چون بلا و آسیبی به آنان رسد گویند: ما مملوکِ خداییم و یقیناً به سوی او بازمی‌گردیم».

پیکار و شهادت در میدان جنگ نیازمند صبر است و هر سه نوع صبر، صبر بر طاعت، معصیت و مصیبت، را می‌طلبد؛ مدح خداوند از صبر پس از آیات قتال ممکن است پیوندی ویژه با صبر در زندگی عادی و نایل شدن به درجات شهدا داشته باشد؛ چنانکه پیش از این گذشت، صبر مؤمن بر بیماری‌ها و مصائب به وی ارتقاء درجه داده و اجر و پاداش شهدا را به وی می‌دهند. در روایتی آمده است:

از حضرت زین العابدین علیه السلام درباره طاعون سؤال شد که آیا از کسی که مبتلا به طاعون شده است، دوری گزینیم؟ چرا که او تحت عذاب الهی است؛ حضرت فرمود: اگر گناهکار بود، چه بمیرد و چه زنده بماند، از او دوری گزین؛ ولی اگر فرمانبردار خداوند عزوجل بود، در این صورت طاعون از مواردی است که گناهانش بدان پاک می‌گردد؛ خداوند عزوجل به وسیله طاعون، قومی را عذاب می‌کند و دیگران را مورد رحمت قرار می‌دهد؛ درحالی‌که قدرتش به هرچه بخواهد، شامل می‌شود؛ آیا نمی‌بینید که خداوند، خورشید را نوری برای بندگانش قرار داده است که باعث رسیدن میوه‌هایشان می‌شود و آنان را برای دست یافتن به روزی زندگی‌شان یاری می‌دهد درحالی‌که گاهی به همین وسیله قومی دیگر را عذاب می‌کند و با حرارت همین خورشید در روز قیامت به خاطر گناهان و کردار بدشان در دنیا، گرفتار عذابشان می‌کند.^۱

حاصل آنکه یادکرد مصداق‌های شهادت بدون بیان قیود و شرایط آن تصویر نادرستی از اسلام در ذهن خواننده بر جای خواهد گذاشت، به ویژه با استدلالی که ریون پیش از مصداق‌ها آورده است؛ در نهایت باید گفت تحلیل ریون از مصداق‌های شهادت و جعلی انگاشتن آن‌ها قابل پذیرش نیست.

نتیجه‌گیری

عملکرد ریون در «مصداق‌های شهادت» به چند دلیل صحیح نبوده و تحقیق حاضر نشان می‌دهد خوانندگان دائرةالمعارف قرآن به اطلاعات کافی و همه‌جانبه در موضوع شهادت دست نمی‌یابند.

- اهمیت جایگاه شهید در این مدخل به صورت کامل واضح نشده است و از مباحثی

۱. الدعوات (سلوة الحزین)، ص ۱۷۱.

چون غسل ندادن شهدای معرکه به گونه‌ای یاد می‌شود که این مسئله را کم اهمیت جلوه می‌دهد.

- مصداق‌ها به صورت جامع بیان نشده‌اند و به اشاره‌ای اجمالی همراه با تعبیری کلی اکتفا شده است.

- وی با وجود تقسیم‌بندی اسلام به سنی و شیعه، حتی در مباحثی پیرامون شیعیان به منابع محدود سنی و دیگر خاورشناسان و منابع دست دوم و سوم مراجعه کرده است. ریون در علت‌یابی هم‌رتبگی مصداق‌های شهادت با شهادت در میدان جنگ، استدلال نادرستی ارائه داده و دچار مغلطه می‌شود؛ از نظر او با فاصله گرفتن از ابتدای اسلام به دلیل کمتر شدن جنگ‌ها، اعمال دیگری با پیکار و مرگ‌های دیگری با شهادت هم‌رتبه شمرده شد تا بدین وسیله افراد بیشتری به این سعادت نایل آیند؛ در صورتی که در همان دهه‌های اولیه اسلام نیز روایاتی مبنی بر هم‌رتبگی برخی اعمال و جان باختگی‌ها با جهاد و شهادت هم‌رتبه شمرده شده است و علت یادشده با نتیجه آن ارتباط منطقی ندارد.

- ریون در ذکر مصداق‌ها، به قیود و شرایط برخی از آن‌ها توجهی نداشته و مسائلی همچون مرگ بر اثر بیماری را شهادت به شمار می‌آورد، در صورتی که بیان قیودی چون ایمان و صبر بر مصیبت در این‌گونه مصداق‌ها لازم است.

۱. قرآن
۲. إرشاد القلوب إلى الصواب، حسن بن محمد ديلمی، قم: الشريف الرضى، اول، ۱۴۱۲ ق.
۳. بحار الأنوار، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴. بررسی دائرة المعارف لیدن، محمد علی رضایی اصفهانی، سایت مجله قرآن پژوهی خاورشناسان، ش اول، زمستان ۱۳۸۵ ش.
۵. تفسیر موضوعی قرآن (معاد درقرآن)، عبدالله جوادی آملی، قم: اسراء، ۱۳۹۱ ش.
۶. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعیری، نجف: مطبعة حیدریه، اول، بی تا.
۷. الدعوات (سلوة الحزین)، محمد بن سعید بن هبه قطب الدین راوندی، قم: مدرسة الإمام المهدي عليه السلام، اول، ۱۴۰۷ ق.
۸. سفینه البحار، عباس قمی، تهران: صحت، اول، بی تا.
۹. صحیح البخاری، محمد بن اسماعیل بخاری، استانبول: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، بی تا.
۱۰. علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه، قم: داوری، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة، محمد بن زین الدین ابن أبی جمهور، مصحح: مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر، اول، ۱۴۰۵ ق.
۱۲. عیون أخبار الرضا عليه السلام، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. كنز العمال، متقی هندی، تحقیق: بكر یحیانی. بیروت: الرسالة، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۱۵. مسند احمد بن حنبل، أحمد بن حنبل، بیروت: دار صادر، بی تا.
۱۶. منطق کاربردی، سید علی اصغر خندان، قم: مؤسسه فرهنگی طه، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
۱۸. نهج البلاغه، علی بن ابی طالب عليه السلام، ترجمه: محمد دشتی، تهران: زهد، ۱۳۸۶ ش.
۱۹. وسائل الشیعه، محمد بن حسن حرّ عاملی، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۱۴ ق.

20. Encyclopedia of Quran. v3.

